

# «توضیح در مورد این نشریه»

انقلابیاتی که در مرحله حساسی از حیات خود قرار گرفته است. امروز خلق ما توانسته است سبکهای تازه را در مقابل خود باقی نماند و ما نداشتن تلاش جدید، بسیاری از امیرالیهیم و ارتجاع را تجمیع زدیم و ما نداشتیم برای تجمیع سراسری بیشتر انقلاب هستیم. این در شرایطی است که سیستم های امیرالیهیم زخمی و ارتجاع است خورده و همچنان ادامه دارد بلکه بتواند آب رفته را دوباره جوی باز

کردند. مبارزه تبه های زحمتکش ما و تمام نیروهای دمکرات انقلابی (اعضای از مدینه و غیره) و کمونیستها؛ نه تنها در مقابل خود باقی نماندند، بلکه با تلاش های سازندگان لیبرالها برای جلوگیری از به سر رفتن انقلاب و مخالفت با سبک مکرر تقسیم انقلابی از جانب عناصر و نیروهای قشری و انحصارطلب نیز مواجه است.

بقیه در صفحه ۲

# سنگار

کتابخانه ایرانی شهر هانوفر  
 iraniische Bibliothek in Hannover

فدراسیون محصلین و دانشجوین ایران در فرانسه  
 اتحادیه دانشجویان ایرانی در آلمان و برلین غربی  
 اتحادیه دانشجویان ایرانی در سوئیس

شماره ۱۵ ریال

سال اول شماره ۱  
 شنبه ۸ اردیبهشت ۵۸

## گرامر با و یا و مجامعین شهید

در ۲۰ فروردین ماه سال ۵۱  
 محمدرضا شهبان باگری، محمد بازرگان، علی مهین دوست، ناصر صادق و علی اصغر منتظر حقیقی شهید رسیدند.  
 محمدرضا شهبان ناصر، علی، محمد رضا مهین دوست، یسارزاینگ در پیدانگاههای نظامی شاه جلا شدند.  
 بقیه در صفحه ۲

## ابتکار انقلابی آیت الله طالقانی

ابتکار و خلاصت توده مستقیم ده هادری ماههای «...» سرتیغ انقلاب که نظامی سیستم های اداری رژیم سابق یکی قطع گشت بود و اشکال نویسی از اعمال حاکمیت مردم آفرید که بدین صورت شورامای ده هادری در دهات و شوراهای کارگری در کارخانه ها بقیه در صفحه ۲

## لجری کرسی کمیته مرکزی خائن ضرب توده

پسرکفاران خائن کمیته مرکزی حزب توده بعد از سالها جارجیه نشینی و ارتزاق از دست اربابان میزبانی خود، اینک برای توجیه جیش و خرابکاری در خنثی خنثیهای ما به توجیه با بران ساز میگردد. البته که در حیوچه نبرد در کماکش جنگ طبقاتی و خلق های قهرمان ایران و مبارزان صدق حزب را در مقابل ارتجاع در توده و امیرالیهیم های

خونخوار آمریکا و انگلستان بحال خود رها ساختند و فرار را بر قرار ترجیح دادند. اکنون طریق بازگشت را پیش گرفته اند تا بیرونده خیانت های خود را بر نارت کنند. آری، اینان زمانی که انقلابیون ایرانی، کمونیست های دلاوری چون خسرو روزبه ها، سبک ها و ... با تمام وجود میکوشیدند تا تمام مبارزه را حفظ کنند و خلق را بقیه در صفحه ۲

## در باره مسئله ملی

در حالیکه خلفهای ایران پس از مبارزه های خونین و دلاورانه، خود را برای استقبال از اولسین بهار آزادی و خالی از ساید شوم سلطنت آماده می ساختند، حوادث شخوین کردستان و بدین حال آن ترکمن صحرا سوک حدت و آفرید و هاله ای از آند و و باصف بر معنای مهین مان گشود. اس حوادث اگر چه تطعا و بغنا اندامی ضد انقلابی و در جهت تحضت و لوپ کردن خواستها و مبارزات بحسی خلفهای کرد و ترکمن در حساب احقاق حقوق ملی شان نبود و توجیه

توسط عناصر ارتجاعی و عمال رژیم سابق و همچنین اقدامات تحریک آمیز و غیردمکراتیک بعضی از کمیته ها که عناصر ارتجاعی و حتمسی ساواکی به زور از رژیم سابق در درون آنها رخنه کرده اند، آفریده شد. اگر چه سردی ناخواندانه را به خنثیهای این مناطق تحمیل نمود و مدد ها را از آنها دست رساست. موضوع طلب را بر سر زبانها انداخت و هنوز هم در کعبه و بازارهای کارخانه و دانشگاه و حتمسی محظلهای خادمان از این موضوع بقیه در صفحه ۲

## اجتماع کارگران بیکار و اخراجی شرکت ساختمانی آرم

وضعت شرکت :  
 شرکت "آر.ا.ا." یک سوخته ساختمان سازی است و در شرکت "ستا" شرکت ساخته شده است. این شرکت در روز ۱۸ فروردین ماه حدود ۲۵۰ تن از کارگران شرکت ساختمانی آرم در محل شرکت واقع در حناان وصال جمع شدند. کارگران مکلفند که حدود ۴ ماه است هیچ حقوقی دریافت نکرده اند و نزد یک به نگاه است که آنها را سرمد و مانند و هیچ پاسخ قطعی نمی دهند. مدتی قبل آنها وعده دادند که در ازای هری ماه بیکاری ۳۰٪ جنوبی و هزار تومان سانه حق و اول پرداخت خواهند کرد ولی تا حال بقیه در صفحه ۳

وضعت شرکت :  
 شرکت "آر.ا.ا." یک سوخته ساختمان سازی است و در شرکت "ستا" شرکت ساخته شده است. این شرکت در روز ۱۸ فروردین ماه حدود ۲۵۰ تن از کارگران شرکت ساختمانی آرم در محل شرکت واقع در حناان وصال جمع شدند. کارگران مکلفند که حدود ۴ ماه است هیچ حقوقی دریافت نکرده اند و نزد یک به نگاه است که آنها را سرمد و مانند و هیچ پاسخ قطعی نمی دهند. مدتی قبل آنها وعده دادند که در ازای هری ماه بیکاری ۳۰٪ جنوبی و هزار تومان سانه حق و اول پرداخت خواهند کرد ولی تا حال بقیه در صفحه ۳

## راستگاری کارگران اصغریان را بنحی کشیدند

حدود ۲۰۰ نفر بودند در حالی که در خانه کارگران اصغریان جمع شده بودند و اجابت از رسیدگی نوری وضع خود کردند.  
 کارگران اصغریان از مدینه و پیش مرتباً خواستار کار و رسیدگی به وضع خود از طرف دولت شده اند و در پنجشنبه ۱۶ فروردین کارگران که بقیه در صفحه ۳

# رنگشده با و اول ماه سه روز بهمانی کارگر

# توضیح در ۱۰۰۰۰

در چنین شرائطی لازم است که مسایل روزمرای توده های زحمتکین و دمکراتهای انقلابی آنطور که هست توضیح داده شود و بدین ترتیب به تربیت روزمره سیاسی آنان همت گماشته شود. به همین لحاظ سازمان ما همواره کوشش کرده است با صدور اعلامیه و تراکت، این وظیفه را انجام دهد.

از آنجا که این شیوه کار بخوبی نمیتوانست این مهم را عملی سازد، ما بعد از این کوشش یکم از طریق این نشریه، این مهم را انجام دهیم و دیدگاههای خود را نسبت بمسائلی که با زندگی و حیات اقتصادی سیاسی و اجتماعی خلقهای ما و نیروهای وابسته به آنها در رابطه قرار دارند - توضیح دهیم، و موضع خود را نسبت باین مسایل در حد توان خود روشن سازیم.

# گرامی باد ما و مجاهدین

حق طلبانه خلق را سرد اندود لیرانه از موانع زحمتکشان دفاع کردند، به دستور شاه خائن روانه میدان تیرشد و عاشقانه در راه خلق خود به شهادت رسیدند.

مجاهد شهید علی امیر منتظر حقیقی در حین یک درگیری مسلحانه با مژگان کبته مشرک به شهادت رسید، و با خون خود در یکی از سیاه ترین و زاریهای تاریخ میهنمان نهال آزادی و استقلال را آبیاری کرد.

یادشان گرامی باد

# ژادگاهها را انقلابی بختی حوالت کرده

دستمال نوبت کوناه کدر حرمان کار دادگاههای "انقلاب عدالتی" موجود است و در سی سال آسودگی که سالیان بوده ها بود، این دادگاههای انقلابی به کار خود ادامه داد و ما سعادتی از خائس به خلق و حجاب سگاران و اسد در رسم شاهانه جناسی و امیرالسمرا معدوم ساسه عیسی کردن دادگاههای احسیر سکی و حواسپهای مردم سارو سود که بدست سده آن ساجدانه شده و خود اس دادگاهها و حکام صادر

# ابتکار انقلابی

و همچنین شوراهای کمیته محلی در شهرها استقرار یافت. سازمان ما که از ابتدای امر پشتیبان جدی شوراهای عده و همواره فکر ایجاد و تقویت اینگونه ارگانهای توده های را وسیعاً تبلیغ کرده است، اکنون با اشتیاق فراوان و همصدا با همه شیفتگان آزادی، از ابتکار حضرت آیت الله خالقانی در جهت ایجاد شوراهای محلی برای اداره امور که با تأیید حضرت آیت الله خمینی نیز روبرو شده است، استقبال نمود. و بدینوسیله پشتیبانی خود را از این اقدام انقلابی که در صورت اجرای اصولی و درست آن، میتواند کامی مثبت در جهت دمکراتیزه کردن حیات سیاسی کشور باشد، اعلام میدارد و امیدوار است که گام بعدی نیز در راه برسمیت شناختن شوراهای کارگری و دهقانی که هم اکنون توسط کارگران و دهقانان در برخی از کارخانهها و روستاها تشکیل شده است برداشته شود.

# در باره مسئله ملی

همواره بد خلقها تحمیل شده است. ناگفته نماند که در طول این سالها خلق فارس نیز بسان دیگر خلقهای میهن مان همواره زیر همیز فشار و استثمار رژیم پهلوی قرار داشته است. در این میان فئودالها و عناصر ارتجاعی ملتتها دست در دست و همدوش رژیم به این ستم و استثمار جامه عمل پوشانده اند.

شکست فاشیسم جهانی که به بهای دلاوریها و جانبازیهای بشناشد و با بجا گذاشتن میلیونها شهید بکف آمده بود، بر ارتجاع جهانی صدمت سختی وارد کرده، پرچم ظفر نمون خلقهای جفا را برافراشته ساخت. در ایندورد مبارزات دمکراتیک و ملیسم ما نیز همای سراسر جهان اوج نوبنیانت. جنبشهای ملی در آذربایجان و آن همان قدر که مورد ستم سی خلقهای با ستم و همدوش کسد دلبنای خاسودهای سید و وردانه ن سیاسی را سلی سدهدهد همان سران دستان خلق های ماضی امیرالسم جفایی را نکوان و منظر سارو. ولی ساعرا ماب

بجان و کردستان یا در مرحله تازه ای گذاشتند که حاصل آن آن تشکیل جمهوری های دمکراتیک آذربایجان و کردستان در سال ۱۳۲۵ بود که در صورت وجود یک رهبری انقلابی و پیوند آن با جنبشهای دمکراتیک و ضد امپریالیستی سراسری ایران می توانستند نقش بس والایی در پیروزی بر ارتجاع و امپریالیسم ایفا کنند. اما رهبری اپورتونیستی و شوونیستی جنبش آذربایجان و ضعف و نبود رهبری انقلابی سراسری که در اساس بسا خیانت رهبری حزب توده مشخص میشد. این مبارزات را با شکست مواجه ساختند، در مقابل یورش ارتجاع به تسلیم کشاند. در این دوره بورژوازی ملی ایران اگرچه در وجود رهبرانی چون مرحوم دکتر محمد مصدق نقش شرفی و مبارزی در صحنه سیاسی کشور و بخصوص در جریان ملی شدن نفت ایفا میکرد ولی باز همان ضعف و ناتوانی طبقاتی را بر پیشانی خود داشت. از همین رو نیز نسبت بد جنبشهای ملی در آذربایجان و کردستان نقش پاسیو و بی تفاوتی ایفا کرده و حتی همصدا و دساز با رژیم شد. بورژوازی اگرچه مدام از آزادی کامل و برابری ملیت ها در برابر همدیگر بدون هرگونه برتری و امتیاز نسبت بد یکدیگر بگویند در حقیقت اعتقاد طبقاتی خود را به اطاعت کلیه خلقهای ایران از "فارسها" نشان داد. و البته غیر از این هم چیزی دیگری نمیتوانست در مخیله بورژوازی بکنجد.

خلقهای ایران که بار همه سنگری و زور گوئی و شوونیسم رژیم بر دوش آنها قرار دارد هیچگاه آرام نه نشسته اند و برای گسستن زنجیرهای اسارت و بندگی از پای خویش و دفاع از حقوق ملی خود همواره رزمیداند. و در این راه مبارزات بر شیرو فاکارانه ای از خود نشان دادند.

این مبارزات همواره بر طبقه رزم و حاکمیت امپریالیسم بوده بنا مبارزات دمکراتیک ضد امپریالیسمی سراسری خلقهای ایران بطور ارکانیک بهم گره خورد، کالبد واحدی را ساخته است. تحقیق حواسپهای دمکراتیک و تأمین حقوق ملی بدون شکست و نابودی قطعی سلطه امپریالیسم ممکن نیست و خلق های مبارکها اسن تحریر را نمودند

مقامات "مدشر" آمریکا و سدی های آرمای زسگاردستی و سچارو محالبنای سلسلهای غرب سجدگام نادر سسار ادامه کار سجداد گاهها که در جهت سر آوردن حواسپ خلقیای ماسه حلوکسری کسد

بدین لحاظ همراهِ با اوج گیری و اعتلای نوبین مبارزات انقلابی در یک ساله اخیر، خلقهای ایران همگام وهم صدا و مردانه بیاخواستند تا به حاکمیت بنگاه ساله امپریالیسم بر میهنمان خاتمه دهند. آنها در این مبارزات مردانه آفتاب درخشان ایران آزاد و دمکراتیک را میدهند که سالها زیر ابر تیره سلطه امپریالیسم پنهان مانده بود. آفتابی که با حفظ و بقای سلطه امپریالیسم تنها میتواند رویایی شریف و روشنی و آرزو باشد. ایران آزاد و دمکراتیک که از اتحاد آزادانه و از روی میل خلقهای ایران تشکیل شده باشد، تنها در صورت نابودی کامل سلطه و نفوذ امپریالیسم ممکن است. از اینرو و نیز خلقهای ایران باشعور و عزم راسخ در مبارزه ای خانانسه گرد هم آمدند و در راه تحقق سئنه مشترک و عمومی رزمیدند و همسه دیدیم که چگونه رعد آسا مبارزات اوج گرفت و گسترش یافت. و باز دیدیم که چگونه قیام مسلحانه و مشهورانه بهمن ماه سلطنت را واژگون ساخت.

بد نیال این قیام و مبارزه حماسه آفرین و از میان سعلهها و دود و باروت میدان نبرد بر زمین صعب و نبود سازماندهی انقلابی توده ای "دولت موقت" و ارگانهای دیگر نظیر "کمیته ها" به حاکمیت رسیدند امید و خواست خلقهای ما این بوده است که حکومت فعلی بتواند از دست آورده های انقلابی آنان باسداری کند و در جهت تحقق بخشیدن به آرمانهای انقلابی توده ها کام بردارد.

"ادامه دارد"

# شاه ساقش بر پای کارگران که شرف نخواستند

مگر کارگری که ساقه کم دارد و ساقه انسخدام سده است ساسداری مکن و سرتاه سبرای خود حواسپاده اس ساد؟ مگر سبران حنون و کم و سواد ای سواد سرت دانش ساد ساس مکن و سرتاه ساد؟ مگر دانش سرتاه، سسی اولس ساس سلسسی تک اساس سسی سسعداد برسدان دارد؟ اگر سس طوری سس و دانش مکن حق مسلم و اسنادی تک کارگرو اس سس حواکار سربای حمایت کار روزا بوخت کاروان سوستر) سرتلای سلا سراسری سکی کارگران کداسد اس سنا س ۵۳۰۰ کارگرو سس سعدادا تک سساری ار آسبا سواد ساس سس سس سس مکن برای سس حواس سسری کارگران اس سس سس

# اجتماع کارگران بیکار

بقیه از صفحه ۱

خبری نشده. اکثر کارگران در ایمن مدت بیکاری زندگی خود را با قرض کردن گذرانند. کارگری میگفت، "فقط ۱۸ تومان دارم و با این پول باید یک خانواده ۵ نفری را بگردانم و دیگر نمی توانم قرض کنم، چون کسی دیگر نمائده که بمن قرض بدهد. اکثر کارگران این شرکت شهرستانی هستند و بخاطر دریا-فتیول به تهران آمده بودند. در ساعت ۱۰/۴ دقیقه مسئول کمیته امام به همراه چند فرد مسلح برای جواب دادن به کارگران آمد. مسئول کمیته در اول سخنانش به کارگران گفت که عدای فرصت طلب و ضد انقلابی در میان شما هستند که میخواهند شمارا تحریک کنند و اغتشاش برآوردند. خصوصاً اینکه دفتر شرکت نزدیک دانشگاه میباشد کارگران به او جواب دادند، ما همه همدگر را می شناسیم و هیچ اخلا-لگری مین ما نیست. سپس در پاسخ کارگران که خواستار پول خود بودند گفت که فعلاً رئیس کارخانه زندانی هست و پولی موجود نیست که بشما بدهیم و سعی میکنیم که برایتان تهیه کنیم. اما اینکار احتیاج به وقت دارد، ماشینهای شرکت را هم نمی شود بفروشیم چون متعلق به ۲۵ ملیون نفر دیگر است؟ اینبار این شما باید فرصت بدهید و حداقل مدتی که برای اینکار لازم است ۱۵ روز می باشد، پس شما بروید و ۱۵ روز دیگر بیایید.

صحتهای مسئول کمیته با اعتراض کارگران روبرو شد، چون کارگران نمعیده بودند که فردا، پس فردا هرگز تمام نمیشود و آنها همچنان بدون پول باقی خواهند ماند. ولی مأمور کمیته با بیرحاشی و دلیلهای غیر منطقی سعی داشت آنها را ساکت کند. طرز رفتار مأموران کمیته

با کارگران بسیار بی ادبانه و تحقیر آمیز بود. بعد از سخنان مأمور کمیته عدای از کارگران رفتند و تعدادی هم ماندند و گفتند تا به خواستهای ما جواب قطعی داده نشود از اینجا نمی رویم. بعد از ظهر ساعت ۴ کارگران تصمیم گرفتند به وزارت کار بروند سه نفر نمایندده هم از میان کارگران انتخاب شدند، کارگران که حدود ۷۰ نفر بودند با دادن شعارهایی از قبیل "حقوق کارگر پرداخت کرد" "باید کارگراخراج کرد" "رنجبر مسلمان پیروز است"، "کارگریروز است"، "سرمایه داران باوند است"، "کارگر کارکنند به کارتوایم"، "بطرف وزارت کار راه افتادند".

در وزارت کار نمایندگان به داخل رفتند تا با مسئولان صحبت کنند، در اینجا هم رفتار مأموران کمیته بسیار بی ادبانه بود و حتی یکی از مأمورین روزنامه "کار" را که یک نفر می فروخت تپاره کرد. (که البته بعداً پولش را پرداخت کرد در وزارت کار به کارگران هیچ جوابی داده نشد و بهانه آوردند که مسئولان نیستند و وزارتخانه تعطیل است و غیره.

کارگران از این وضع بسیار ناراحت بودند و شدیداً اعتراض کردند. سرانجام تصمیم گرفته شد که کارگران تا فردا صبر کنند و روز ۱۹ فروردین در محل شرکت جمع شوند و در صورتیکه به کارشان رسیدگی نشود در محل وزارت کار متحصن بشوند.

## راهبانی کارگران اصفهان

بقیه از صفحه ۱

در خانه کارگر "مصحف" معن-ساون استانداری اصفهان، برای کارگران صحبت کرد و آنها را تهدید میکند که اگر در اصفهان تظاهرات کنند آنها را بگلوله خواهند بست. خبرنگاری که به آنجا آمده بود، کارگران را ضد انقلابی میخواند. این نحوه برخورد مسا-موجب ناراحتی و خشم کارگران شده

و متقابلاً افراد کمیته دست به دخالت زد و برای متفرق کردن کارگران شروع به تیراندازی هوایی میکنند. آنها همچنین تهدید میکنند که نمایندگان کارگران را دستگیر میکنند. کارگران بناچار برای روز شنبه ۱۸ فروردین قرار میگذارد در خانه کارگرمجمع شوند و تا جواب قطعی نگرفته اند از انجا بیرون نروند.

در روز شنبه نزدیک به ۱۰،۰۰۰ کارگر در خانه کارگرمجمع میشوند و تا ساعت ۱۰ صبح صبر میکنند ولی هیچ يك از مقامات دولتی و کمیته برای روشن کردن وضع کارگران، نمایندده، در نتیجه کارگران تصمیم میگیرند دست بر اهیماء بزنند.

پس از طی مسافتی، موقعی که کارگران به باشگاه کارگران رسیدند در آنجا "مصحف" آمده و به بهانه نبودن بلندگوو اینکه صدایش گرفته! میخواهد سرکارگران را شیره مالیده و از دادن جواب به آنها خودداری کند. او پس در حالی که تلفن کرد که در تهران و رساندن خواستهای کارگران را به گوش مقامات تهران دستاویز کرد، سعی میکند از جمع کارگران دور شود. اما کارگران به او اعتراض میکنند که تلفن در باشگاه کارگران وجود دارد و احتیاجی برفتن به استانداری نیست، ولی او هر طور شده می رود.

ساعتها از رفتن معاون استانداری گذشت و خبری از او نشد، کارگران که از این همه سرد و اندن ها بخشم آمده بودند، در جمعی بست استانداری حرکت کردند. در بین راه، عددهای از دانش آموزان و عناصر غیر آگاه که فریب عناصر ضد انقلابی را خورده بودند با شعار کارگر، کشاورز، اسلام حامی توست "جلوی کارگران را گرفته و به توهمین و فحاشی به کارگران میردازند با تمام مشکلات، بالاخره کارگران به استانداری میرسند، اما در آنجا هم همان عناصر نا آگاه و فریب خورده های که ادعای مسلمان بودن و حامی کارگر

بودن را میکردند با سنگ و بکارتگران حمله برد و به کمک زدن آنان میپردازند. کارگران زحمتکش که خشمگین شده بودند به دفاع از خود میپردازند. اما مأمورین مسلح کمیته که تا آن موقع آنجا ایستاده بودند و کوچکترین کاری برای جلوگیری از حملات ناجوانمردانه عناصر فریب خورده نمیکردند، دست به اسلحه برده به تیراندازی میپردازند کارگران که دیگر کاسه صبرشان لبریز شده بود و از همه طرف مورد حمله واقع شده بودند، شروع به کندن درختان کنار خیابان برای دفاع از خودشان میکنند. در این موقع تیراندازی هوایی مأمورین کمیته امام، تبدیل به زمینی میشود و در نتیجه ۳ نفر از کارگران بشدت مجروح میشوند و



رئیس نمایندگان

ناصر توفیقین، دانشجو و دانشکاه-نهان کد در کارخانه بیکار کارگری مشغول بود بطور ناجوانمردانه ای از پشت مورد اصابت گلوله قرار گرفته و شهید میشود کارگران که بسیار از آنها متفرق شده بودند سرانجام بداخل استانداری رفتند و در آنجا به تحصن نشستند، اما از آنجا که اول تعداد کارگران متحصن خیلی کم بود و ثانیاً در اثر تبلیغات شدید ی که بر علیه آنان شده بود و کارگران را بمردم، ساواکی و ضد انقلابی معرفی کرده بودند، از همین جهت بهتریدند که دست از تحصن برداشته و دنبال جریان را فردا بگیرند روز بعد کارگران در باشگاه کارگران جمع شده و به عنوان اعتراض به کشتار دیروز دست به تحصن زدند. هر لحظه که میگذشت بر تعداد کارگران متحصن افزوده میشد و کارگران بیشتری به جمع آنها میپیوستند. بر روی پانجه بزرگی نوشته شده بود "درود بر شهید

# مشیر سوراخا و حزب طبقه کارگر

بقیه از صفحه ۳  
راه ما ناصر توفیقان  
یکی از کارگران متحصن باصدای بلند صحبت کرد و گفت: ما دیروز بدیم که چه کسی ضد انقلابی است... یا افرادی از کیته که بسوی ما تیراندازی کردند؟ ما دیدیم که در برابر خواسته های ما حق ما چه دادند؟ بله آنها بما کلوله دادند... نه دیدیم که ما کارگرها برای بدست آوردن حق مان باید مشکل شویم و خودمان برای خودمان کار کنیم.  
کارگران همگی گفته های وی را تائید کردند... در این موقع آیت الله طاهری یکی از روحانیون اصفهان بیان کارگران آمده و شروع به وعده و وعید داد... اما با اعتراض کارگران مواجه شد... یکی از نمایندگان کارگران به او گفت: "دیگر حرف بس است... ما عمل می خواهیم... کارگران نیز حرفهای نماینده شان را تائید کردند.  
طاهری نیز شروع به تهدید کردن کارگران نمود و گفت: اگر نخواهید... اغتشاش کنید... معلم میشود... انقلاب هستید... می خواهید اغتشاش راه بیندازید... این تهدید طاهری شبیه همان حرفهایی بود که رژیم قبلی به مخالفین خود میگفت و یاد حکومت فعلی هم بارها سخنگوی دولت و بکارگران نسبت داده بودند... مورد خشم کارگران واقع شد و سرود ای آنها را در آورد... طاهری که دید هوا پس است... حرفش را عوض کرده و گفت: منظور من همه شما نبود... بلکه عناصری را میگویم که کمونیست هستند... ضد انقلابی اند... داخل شما نفوذ کرده اند... و شما را تحریک میکنند که اغتشاش کنید.  
طاهری بدو آنک بفرمود و باره همان حرفهای را تکرار کرد که بار اول زد... این فعالیتهای حق طلبانه کارگر انرا اغتشاش خواند... مجله اکارگران با اعتراض کردند... در اینجایی از کارگران پشت تریبون رفته و گفت: ما به تمام روحانیت اصفهان اعلام میکنیم که ما کارگران کمونیست شدیم... این حرف باخند و تشویق کارگران روبرو

شد... شما میگوید ما ضد انقلابی هستیم... و عناصر کمونیست در ما نفوذ کرده اند... ولی ما بیبینیم همانهای را که شما ضد انقلابی و کمونیست معرفی میکنید چه گونه در راه بدست آوردن حق ما مبارزه میکنند... و نیز شهید میدهند... شهید ناصر توفیقان... در راه ما خان خود را گذاشته و شه او را در تلویزیون ضد انقلابی تائید نمود... در این موقع کارگران شروع به دادن شعار کردند... درود بر شهید را... اما اگر کسی را ما... توفیقان کردند... اما اگر کسی دانستیم... حالا فهمیدیم که "ضد انقلابی" چه کسی است.  
صحبتها قدر رستو بجای ایس رفیق کارگر... با تشویق کارگران روبرو شد... همگی گفتند... صحیح است... صحیح است...  
در این موقع خبر رسید که گروهی از دانشجویان طرفدار آزادی طبقه کارگر بعنوان اعتراض به حمله و کشتار دیروز کارگران... در استان داری متحصن شده اند... اما از طرف کیته امام به آنها حمله شد... و تعدادی از آنها را زخمی کرد... و تعدادی را هم دستگیر کرد... و با خود برد... این خبر که شد... موجب فراق و خشم کارگران شد... و موجب گردید که تعدادی از کارگران تصمیم بگیرند... به کمک دانشجویان بروند... اما چون این کار اوضاع را بحرانی تر میکرد... و امکان کشتار بیشتری میرفت... نمایندگان کارگران آنها را راضی کردند که از رفتن منصرف شوند.  
سپری یکی از نمایندگان کارگران پشت بلندگو رفته و همبستگی کارگران را با دانشجویان متحصن در استان داری اعلام کرد... و قطعنامه ۶ ماده ای را که کارگران نوشته بودند خواند.  
ماضن یشتیبانی کامل خود از این خواسته های بحق کارگران... عین قطعنامه را در رزیر می آوریم:  
۱- محاکمه و مجازات نفور... عاملین کشتار روز شنبه ۱۸ فروردین... در رجنور کارگران انجام گیرد.  
۲- آزاد ز همه دوستان ما بدو ن قید و شرط... با معذ رسخواهی از آنان  
۳- تاکید میکنیم که دولت باید... اینست اجتماعات ما کارگران را فراهم سازد  
۴- انجام خواسته های رفاهی که "اغتشاش" یعنی شروع کردن

بیکاری زائیده نظام سرمایه داری است

بیکاری در جوامع سرمایه داری که همه موازین آن بر مبنای کسب سود هر چه بیشتر از طریق استثمار زحمتکشان و رقابت آزاد در امر تولید برقرار است عموماً در کشورهای تحت سلطنتظیر کشور ما که از یک اقتصاد وابسته و مستعمری نتاژ بر خوردار است خصوصاً امری بسیار طبیعی و اجتناب ناپذیر است. مسئله بیکاری که در شرایط فعلی جامعه ما در اثر ایجاد وقفه در بخشهای تولید و تعطیل برخی از پروژه های کوچک و بزرگ گریبانگیر میلیونها کارگر میهنمان شده است در گذشته نیز بصورت خفیفتر بطور پراکنده در سطح کشور وجود داشته و در آینده نیز وجود خواهد داشت... زیرا این محصول بی برور بگشت نظام سرمایه داری است... این خلعت ویژه این نظام ضد انسانی است که هر چه بیشتر تکامل مییابد... شمار بیشتری از انسانها را بخاک سیاه میساند بدین مفهوم که تکامل هر چه بیشتر سرمایه داری... انباشت هر چه بیشتر سرمایه را در یک طرف و فقر و فلاکت در طرف دیگر را بدنیال دارد... یعنی فقیر روز بروز فقیر تر و غنی روز بروز غنی تر میشود.  
در نظام سرمایه داری کارگران تا زمانی میتوانند بزندگی خود ادامه دهند که بتوانند کاری پیدا کنند و تا زمانی میتوانند کاری پیدا کنند که

د قطعنامه قبلی متذکر شد... مایم  
۵- اشخاصی که در روز یکشنبه جلوی باشگاه کارگران آمده و دست کارگر ما را بنام "قبایدیزش" بعنوان استخدا م جوشکار به بیرون باشگاه برده و کتک زد... هاند... مجازات شوند.  
۶- مایشتیبانی خود را از کسانسی که از کارگران بیکار اصفهان و حومه طرفداری میکنند... اعلام میدارم.  
کارگران متحصن همچنین در اعلامیه ای که منتشر کرده اند... از کلیه کارکران کارخانه های مختلف همه مردم آزادی خواه... خواهسته اند که از خواسته های سر حق کارگران یشتیبانی کنند و آنان را در گرفتن خواسته هایشان یاری رسانند.

کارشان سود آور و به انباشت سرمایه... سرمایه داران کمک کند... پس میبینیم که زندگی کارگر و خانواده اش در ارتباط و رقابت با سودی است که از دسترنج او بچیب سرمایه دار سرازیر میشود... یعنی وقتی سرمایه دار تشخیص میدهد که سرمایه اش مثلاً در رشته تولید کفش سود زیادی بهمراه ندارد و بهتر است که سرمایه اش را در معاملات زمین بکار ببندد... معطل نمیکند... چون هدف سود است و تنهاسود... چه اهمیتی دارد که کارگر تنها منبع درآمد خود و خانواده اش را که همان فروش نیروی کار خویش است از دست بدهد.  
در جامعه سرمایه داری استثمار کارگر فقط در رابطه با فروش ارزان نیروی کارش خلاصه نمیشود... مارکس این معلم بزرگ طبقه کارگر در اثر معروف خود "مانیفست حزب کمونیست" میگوید: همینکه استثمار کارگر بدست کارخانه دار پایان میپذیرد و کارگر سرانجام مؤد خویش را به نقد دریافت میدارد... بخشهای دیگر بورژوازی یعنی صاحبخانه... دکاندار... گروهی و غیره بر او هجوم میبرند... زندگی کارگران در جامعه سرمایه داری سراسر در تشویش و دلهره و نگرانی میگردد... نگرسان از فردای مبهم خود و فرزندانش نگران از آینده ای تاریک که هیچ روزنه امید در آن پنجم نمیخورد... یک بیماری کوچک برای خود و یا یکی از افراد خانواده اش میتواند موجودیت زندگی آنها را مورد تهدید جدی قرار دهد... یک بیکاری حتی کوتاه مدت قادر است به همه پس انداز زندگی چندین ساله کارگرمش خاتمه داده به افلاش بکشاند.  
نظام سرمایه داری با آن سلسله مسراتب اداری و قوانین بظاهر کارگرش بر پایه آنچنان روابط نابرابر و ظالمانه ای برقرار است که در هیچ یکن از دورانهای تاریخ بشری نظیرش را نمیتوان یافت.  
آری کارگر آزاد است... آزاد است

# بیکاری زائیده

بقیه از صفحه ۴

در انتخاب این که حاصل دسترنج خود را بچیب کدام سرمایه داران و صفت بریزد، جهان جیت، بنزخاوری الیامو... فرق نیکند سرمایه دارمیگوید: "ماکس را مجبور نیکیم که بیاید برای ما کار بکند؛ خیلی هم دلشان بخواهد، همه آزاد هستند آری کارگر آزاد است که بین استثمار شدن و بیکار ماندن و مردن، هر کدام را که میخواهد انتخاب کند. این است مفهوم آزادی ای که نظام سرمایه داری برای کارگران، این زحمتکشترین طبقات جامعه ارزانی میدارد.

سرمایه از کجا بدست میآید و منشاء پیدایش آن چیست؟ بایسن سؤال یکی از کارگران مبارز کارخانه کبریت سازی توکلی تبریز در جریان یکی از اعتصابات اخیرشان بصاحب کارخانه که بکارگران میگفت: "بغیر از ضرر چیزی از این کارخانه عاید ما نمیشود. باسخی روشن که مبتی بر مشاهدات و تجربیات ۳۵ ساله کارگری اش میباشد داده است.

رفیق کارگر میگفت: "حاج آقا شما یادتان نباید، آنوقت بچه بودید، من و تنی چند از همیسن کارگران فعلی با حاج آقا بزرگ کار میکردیم محل کارخانه حیاط کوچکی بود که بیش از دو ساعه اطاق نداشت. از این دستگاههای اتوماتیک و گران قیمت خبری نبود، ماهمه کارهای فعلی را بادست انجام میدادیم، حالا شما بزرگترین، مدرترین و پسر محصل ترین کارخانده کبریت سازی را در ایران دارا هستید و علاوه بر آن کارخانجات دیگری از قبیل فیبر سازی توان سازی و... در کنار آن - ایجاد کرده اند، در حالیکه من و امثال من هنوز هم کارکریم، هنوز هم بدوشی را تحمل کرده اند در آمد بتخلیه ستاجریم، هنوز هم هشتمان در گرو نمایند که از گناهان کبیره استوحتی در نهمان است.

# بیکار

قرار خواهند گرفت.

من بینیم که آقای بازرگان نخست وزیر موقت انقلاب بدون برداشتن کلاه چکترین قدمی در راه منافع طبقه کارگر در بیام روز ۲۶ اسفند خود خطاب به کارگران میگوند: "اینک از کارگران عزیز انتظار داریم که با کار بیشتر و تلاش بیشتر برای سرمایه داران، وفاداری هرچه بیشتر، رعایت ساعات کار مقرر در کارخانجات برای سرمایه داران، ماهه گذاردن از دل و جان برای بهبود هرچه بیشتر کار برای سرمایه داران" از هرگونه ضایعات و اتلاف وقتکنه از وظایف اولیه یکایک شماست در راه سازندگی کشور برای سرمایه داران

بیش از پیش کوشا باشید؛ از آیندگان ۲۷ اسفند ۵۷ (مطالب داخل گیومه از ماست)

من بینیم هزاران کارگری که بعد از این جریانات کار خود را از دست داده اند اگر خود همت نیکند و دست بدتشکیل اجتماعات، تحصن و اعتصاب غذا نمی زنند، نه از طرف وزیر کار و نه هیچکدام از مقامات دولت موقت انقلاب که اینهمه سنگ پارهنگا و مستضعفین را بر سریننه میزنند اقدامی صورت نیکرفت.

حال که کارگران خود جناب وزیر را متوجه بد بختی بزرگی که ماههاست گریبانگیر خود و خانواده شان شده است، نموده اند و یاد آور شده اند که شما بنابه مسئولیتی که بعهده دارید باید بوضع ما کارگران بیکار رسیدگی کنید.

جناب آقای وزیر میگوید: "از ارس تا خلیج فارس کسی از مادر زاده نشده است که بمن باید بگوید" ای کاش جناب وزیر به اندازه سرسوزنی درک میکردند که کار چیست، کارگریست، ویکاری کدام است. جناب وزیر فراموش میکنند که این باید از طرف هزاران کارگر بیکار و حمایت و پشتیبانی یکپارچه همه کارگران ایران گفته میشود یعنی قدرتی که بزرگترین نیروی سرکوبگر منطقه را ساز و مار کرد.

# در باره

بقیه از صفحه ۱

سخن می گویند و درباره علت و چگونگی حوادث و سرانجام آن جوی یا می شوند. از همین رویرو واضح است که بحث جدی و اصولی در اطراف مسئله ملی ضروری است و این ضرورت دو چندان میگردد، هرگاه در نظر داشته باشیم که تداوم و تکرار طولانی و ۵۰ ساله آموزشهای ارتجاعی - فاشیستی رژیم که در شرایط ضعف مفرط نیروهای انقلابی و مترقی و لاجرم ضعف و فقر فرهنگ و ادبیات انقلابی صورت گرفته از یکطرف و توهمسات کنونی بسیاری از توده ها در پیروی از نظرات غیردکراتیک رایج از طرف دیگر، بدون شک تاثیر منفی خود را در ذهن توده ها بخشیده و امروزه اشخشی این آموزشهای ارتجاعی در ناآگاهی و ناروشنی به مسئله جنبش های ملی و اصولا خود "ملیت" در پیشگاه توده های مردم و همچنین عدم تربیت آنها با روح دفاع قطعی، پیگیری و جسورانه از برابری کامل حقوق و برادری کامل کلیه خلقها و حق ملیتها در تعیین سرنوشت خویش با وضوح هر چه بیشتری خود را نشان میدهد و نشان می دهد که چگونه بخش وسیعی از توده های ناآگاه مابذ نبال نظرات ارتجاعی در این زمینه - بقیه در صفحه ۶

کارگران با اعلام همبستگی و حمایت خود از سایر رفقای بیکار شدند بخود نشان خواهند داد که بخوبی درک کرده اند که بیکاری در نظام سرمایه داری شتری است که بردر خانه هر کس خواهد خوابید مفهوم بیکاری تنها محرومیت و فقر و فلاکت آنهایی را که کار ندارند نیست، بلکه این امر وضع تمامی کارگران شاغل را نیز وخیم میکند، بخاطر اینکه سرمایه داران از وجود این بیکاران همواره مانند جماعتی بر علیه کارگران شاغل استفاده نموده و مدام آنها را ضمن تشدید استثمار وائین آوردن مزد شان تهدید باخراج میکنند، به همین علت است که سرمایه داران هلاقتند که همیشه لشگری از کارگران بیکار در پشت در کارخانجات صف کشند. میگوید کارگران بیکار بنابه تیوخانه جوژ و بازی است.

مشکر ما و همشکرم و نام انقلاب



کشیده میشوند. موضوع از نظر دیگری نیز اهمیت دارد و آن تکید بر جنبه طمقانی مبارزه خلق‌ها برای رسیدن به حق تعیین سرنوشت می‌باشد که بخصوص در شرایط کنونی می‌تواند در قالب یک ناسیونالیزم بورژوازی و خود مختاری بورژوازی نیز درآید. مابا تائید اندامات و تلاش‌های کلیه نیروهای انقلابی و مترقی در این زمینه و تاکید بر فعالیت‌های هر چه گسترده تر و هر چه اصولی تر، در این مقاله سعی خواهیم نمود در حد توان خود به روشن شدن موضوع یاری رسانیم. باشد که انقلاب خلق‌های ایران گام دیگری در جهت ریشه کن ساختن سلطه و نفوذ امپریالیسم و بسط و تعمیق مکراسی مردمی بد جلوه بردارد. بهتر است قبل از آنکه بررسی و جزیه و تحلیل مشخص موضوع در شرایط کنونی ایران بپردازیم، بدانیم مفهوم علمی "ملت" و نقش و محتوی "جنبش‌های ملی" و همچنین برخورد و عکس العمل طبقات و نیروهای سیاسی نمایندند آنها نسبت به آن چگونه می‌باشد. "ملت" عبارت از توده‌های مردمی است که با زبان مشترک و آداب و سنن و فرهنگ خاص و یکسان خود در سرزمینی مشترک طی سالیان دراز در کنار هم سرگشته، تاریخ و سرگذشت هسان را از سرگذرانیده‌اند. اما علیرغم اینکه توده‌های مردم در طول سالیان متوالی کنار هم زندگی کرده‌اند، در تمام دوره‌های تاریخی بد شکل "ملت" نبوده‌اند. بدین معنی که "ملت" و "جنبش ملی" خود محصول یک دوره معین تاریخی یعنی دوران سستند که روابط ارباب و رعیتی (فتووالی) روبرو نابودی رفته، بجای آن و در درون آن مناسبات سرمایه داری راد ترقی و اعتسلا می‌پیداید. از اینرو در سراسر جهان، در دورانی که سرمایه داری در راه تاملین پیروزی نهائی بر فتووالیسم می‌باشد، ما شاهد شکل گیری توده‌های مردم به صورت "ملت" و در کنار آن جنبش‌های ملی بوده ایم و هستیسم. هدف اصلی این جنبش‌ها تشکیل دولت‌های مستقل و ملی است که در پناه ایجاد بازارهای داخلی و ملی بتوانند رشد و ترقی مناسبات سرمایه داری و لاجرم پیروزی را امکان بد بر سازند. از اینرو عامل اصلی در اینجا همیشه

بورژوازی می‌باشد. رشد و بزرگانی و راه‌های ارتباطی، به همراه خود ترقی مطبوعات و فرهنگ روشن فکران بورژوازی را مشحون از احساسات ملی ساختند، آنان را بد تلاش در باره نجات میهن و در واقع نجات بورژوازی (که در ضمن نقشی مشرقی از نظر تاریخی دارد) می‌کشاند و بورژوازی سعی میکند با همین احساسات ملی توده‌های مردم را بیزیر پرچم خود کشیده تحت رهبری خویش درآورد. اما در دوران حاضر که سرمایه داری جهانی وارد بالا ترین مرحله رشد خود شده و با شبکه وسیع انحصارات و امتیازات اکثریت کشورهای ضعیف و عقب مانده را بیزیر پیوغ خود کشیده است، جنبش‌های ملی ناچارند مبارزه خود را در راه ایجاد دولت‌های مستقل و ملی با مبارزه علیه امپریالیسم پیش ببرند. این دولت‌های مستقل و ملی علیرغم اینکه بنفع و صلاح بورژوازی هستند اما خود بورژوازی نمیتواند توده‌های مردم را برای دستیابی به آن رهبری کند، چرا که تربیت توده‌ها با روح برابری کامل و برابری کامل کلیه ملل و دفاع از حق ملل در تعیین سرنوشت خویش و متحد و متشکل نمودن خلق‌ها در صف واحد. برای نابودی امپریالیسم و سرسپردگان داخلی آن، اتحاد و همبستگی خلق‌ها را تحکیم نموده، دموکراسی مردمی را بسط و تعمیق میدهند و همین امر سبب رشد خلا قیت و ابتکار توده‌ها گردیده و بد آنها امکان می‌دهد تا بد آسانی از امکاناتی که بورژوازی برای آنها فراهم نموده استفاده کنند تا خود بورژوازی را سرنگون ساختند، حکومت را بدست گیرند. از اینرو بورژوازی از ترس کارگران و توده‌های مردم اجبارا بسوی ارتجاع و امپریالیسم خزیده بد امر آزادی کامل و برابری کامل حقوق ملت‌ها و دموکراتیسم خیانت میکند. اواز مردم بیش از امپریالیسم میترسد و ناگزیر از ستمگری و عدم برابری حقوق ملت‌ها دفاع می‌نماید و سعی میکند توده‌های مردم را با شعارهای ناسیونالیستی موهوم فاسد ساخته انقلاب را از دستیابی بد پیروزی قطعی و کامل باز دارد. اما بار اصلی اینهمه ستمگری و فقر و بدبختی بدوش طبقه کارگر و توده‌های مردم میباشد. از این رو طبقه کارگر با تمام وجود خویش خواهان تغییر بنیادی وضع موجود و نابودی کامل سلطه امپریالیسم می‌باشند. آنها برای پیروزی ناگزیرند بهر قیمتی که شده کارگران و توده‌های زحمتکش تمامی ملت‌ها را بد وحدت کامل رسانیده، در

صف واحد قرار دهند. از اینرو کارگران تنها طبقه ای هستند که میتوانند از آزادی حقیقی ملت‌ها دفاع کنند. بدین سبب از موکر-اسی ای دفاع میکنند که به هر گونه ستم ملی و هر گونه اجحاف و برتری ملیتها نسبت به همدیگر پایان دهد و آزادی کامل و برابری کامل کلیه ملل را در تعیین سرنوشت خویش، تامین و تضمین کند. \* \* \* ایران ما از ملیتهای مختلفی تشکیل شده است. این ملیتها از ترك و کرد، بلوچ و عرب گرفته تا ترکمن و فارس هر يك با زبان مشترك و آداب و سنن و فرهنگ خاص خود طی سالیان دراز در سرزمینی مشترک کنار هم زیسته و تاریخ و سرگذشت یکسانی را از سرگذرانیده‌اند. در ایران دورانی که مناسبات فتووالی روبرو اضمحلال گذاشته، سرمایه داری ترقی میکند، مصارف است با دوران مشروطیت. بدین لحاظ نقطه آغازین و سرمنزل جنبش‌های ملی و شکل گیری ملیتها به این دوران بر میگردد. بسط و توسعه بازرگانی و راه‌های ارتباطی و رشد و پاکیری مناسبات سرمایه داری که به همراه خود توسعه مطبوعات و فرهنگ را داشته، نتیجه ناگزیر مرادوات تجاری و فرهنگی با اروپا بود. این مرادوات تجاری باعث بوجود آمدن بورژوازی (عمدتا تجاری) جوان از یکسو و نفوذ فرهنگ و اندیشه و نهاد‌های مکرراسی بورژوازی از جانب دیگر میشد. بورژوازی نویی صنعتی ایران در این دوره بدلیل سیاست استعماری امپریالیسم غربت مهلکی خورده، در مقابل سیل کالا‌های مرغوب و ارزان قیمت اروپائی و روسی بارها توان مقاومت از دست داده، ورشکست گردیده بود و از اینرو در این دوره عمدتاً بصورت بورژوازی تجاری عرض اندام می‌کند. احتیاج بد به بازار داخلی جهت آب کردن مال التجار خود، که دولت ضعف بنیان و فتووالی قاچاریه که در ضمن آلت دست و عروسک سی-اراده امپریالیسم بود و فتووالیهای محلی هم در کنار آن هر کدام ساز جداگانهای میتواختند، نمی‌توانست این احتیاج را برآورده سازد. این امر بورژوازی جوان را بد تکاپو و مبارزه جهت ایجاد دولت مستقل و ملی انداخت. روشن فکران بورژوازی نیز که شور و شوق احساسات ملی آنها را فرارگرفته بود، با مطبوعات و اعلامیه‌های خود بهر توده‌های ناراضی مردم که از ستم‌ها و فشارها و بی بندوباری دولت مرکزی و فشار و جباولگری فتووالیهای محلی جانشان بد لب رسید، پای در

میدان مبارزه گذارده بودند و تاثیر گذارند و احساسات ملی را در آنها بیدار میکردند. در این دوره اگر چه شاهد شکل گیری توده‌های مردم نواحی شمال غرب بدلیل نزدیکی با ایالات مرکزی که نفوذ دولت مرکزی بود و همچنین نزدیکی بد روسیه تزاری (اروپا) و رشد بیشتر مناسبات سرمایه داری و مطبوعات در این مناطق نسبت بد سایر مناطق کشور - بشکل "ملت" هستیم، ولی با جنبش‌های ملی با مفهوم خاص آن یعنی همراه با خواست و برنامه مشخص و مستقل روبرو نمی‌باشیم. به همین جهت بورژوازی نویی "فارس" موفق می‌گردد اتحاد توده‌های مردم - دهقانان و خرده بورژوازی شهری - را بد ور خود عملی ساخته، آنها را در قالب شعار "نجات میهن" و در حقیقت نجات بورژوازی بیزیر پرچم واحد خود بکشد و در این راه بورژوازی تجاری این مناطق همدست و یاور او میباشد. البته این امر نه یک پدیده اتفاقی و خلق الساعه بلکه کاملاً سرزمین‌های تاریخی مشخص خود قرار دارد که بورژوازی نهیای فارس را از سابقه طولانی فرهنگی و سیاسی برخوردار ساخته، مناسبات سرمایه داری و رشد آنرا در مرکز قویتر و دامنه دارتر کرده بود. اما بورژوازی نتوانست امر نجات میهن را تحقق بخشد و بعضی اینک بد امتیازاتی در قدرت سیاسی دست یافت، دست آشتی بسوی فتووالیها و عناصر ارتجاعی درآمده، کلیه احساسات ملی را فراموش نموده و بدین ترتیب همراه و هم‌دوش فتووالیها و ارتجاع در متوقف ساختن و بد بند و بست کشیدن انقلاب بد توطئه و تحطند نشست. تاریخ شکل گیری ملیتها را در جنبش‌های ملی خاص خود بد دوره دیگر محول ساخت. در دورانی استبداد پهلوی، جنبش‌های مستقل ملی موجودیت یافته، را بد تکامل بپیوندند. انقلاب کبیرا کنبر و پیروزی سزک. کارگران در روسیه، بد عمر امراضوری نزاری خاتمه داد. امپریالیسم انگلیس حاکم مطلق العنان ایران شد. آنچه مسلم است امپریالیسم ایران را فقط و فقط بخاطر تامین حفظ و تداوم حاکمیت کامل و بی چون و چسرای خویش بر شئون اقتصادی و اجتماعی، سیاسی و فرهنگی میهنان - میخااهد تا بتواند راحت و آسوده خاطر و با کشاده دستی تمام بد غارت و جباول تروتهای ملی، بهره کشی و استثمار خلق و فروش

یاری دهند، میدان را بدشمن سپردند و فرزندان خلق را در مقابل جلادان تنها گذاشتند و در خارج از کشور خود را بطور تمام و کمال در اختیار دیگران قرار دادند و رسالت تفسیر و توجیه سیاست های خیانت پیشگام روزیونیست بلوک شوروی را بعهده گرفتند. اینان در زمانیکه مردم قهرمان ما قیام خونین پانزدهم خرداد را با فدائوگری ها و ازجان گذشتگی های خود خلق نمودند، همصدا با رژیم مزدور شاه عمل آنان و روحانیون مبارز و مردمی را تخطئه کردند و همصدا با مسکو، قیام را کار فئودالها و عا... ملین آنها قلمداد نمودند و در مقابل، اقدامات مثبت رژیم را ستودند. اینان زمانیکه تمام خلق های مسلمان، کارگران و زحمتکشان ما با تمام وجود خود نریاد مرگ بر شاه و سرنگونی رژیم وابسته با امپریالیسم او را سر میدادند، برای یافتن روزنه ای به قدرت، از رژیم شاه جلاطلب دموکراسی و اجزای قانون اساسی را میکردند (اینسان زمانی که فرزندان راستین خلق در زیر یکی از سیاهترین و خونبارترین دیکتاتوری های تاریخ بد مبارزه مسلحانه چریکی اقدام نمودند، مبارزه آنان را نه از یک پایگاه انقلابی و انتقادی سازنده بلکه از آنرو که این مبارزه به اصل قهرآمیز بودن مبارزه در ایران معتقد بود چیزی که نمیتوانست بعزت و باستگی و منی ریزی شان خوب باشند شان باشد) تخطئه نموده و مورد نحاشی قرار دادند. آری، هم اینان، امروز بار دیگر و با تاکیکسی دیگر بد جنبش خلق ما خیانت میورزند و چنین است که حلقم کیف خود را مگشایند و تهمت خیانتکارانه و نا... جوانمردانه ای به سازمان انقلابی و کمونیستی ما میزنند، سازمانی که سه تا پنج دهه مبارزاتی اش و خون پاک شهیدانش بیانگر حقیقی راه و روش مردمی و ضد امپریالیستی آن میباشد. ساریانی که اعضا و کادرهای آن چندین سال در زیر دیکتاتوری سیاه

شاه خائن و در هنگامیکه اینسان در اروپا، در کنار اربابان خود با شوروی ها خیانت آمیز خود به جنبش خلقهای ما ضربه میزدند، به مبارزه انقلابی مشغول بودند. اما، شما ای کسانی که مکوشید مزورانه چهره نامردمی و کجف خود را در پس تبلیغات بظاهر مردمی و ابراد تهمت بدیگران، مستور دارید، بدانند که ماهیت شما بر نیروهای آگاه و راستین خلق کمونیست و مذهبی (روشن است و این نیروها با تمام قوا مساعی خود را بکار میبرند تا ناآگاهان را نیز بر ماهیت شما آگاه نمایند و بدین ترتیب تاکیک های روزیونیستی شما توان آنرا نخواهد یافت تا واقعیتان را مکتوم بدارد. شما انحراف گذشته بخش مشعب از سازمان مجاهدین خلق ایران را مستمسک قرار داده، و دشمنان خود را بر روی مبارزه بی امان و پیروزمان بر علیه انحراف و سران منصرف سازمان و طرد و اخراج آنها و انتقاد از خود صادقانه و کمونیستی در پیشگاه خلق تعدا فرو می بندید و فرصت طلبانند (همچنانکه از ماهیت شما بر میآید) ما را که خون خود را و شقیه پیمان نامه گسستی مان با خلق قرار داده ایم به امپریالیسم آمریکا، ساواک و روزیونیست های خائن پکن منسوب میکنید تا آنهان را مشوب کنید. ولی این خال خامی بیش نیست آقایان، به مصداق ضرب المثل "کافر همه را به کش خود پندارد" گویا در قاموس شما سازمانهایی که طوف بندگی و جاسوسی مسکو را بگردن نیندازند (همچون شما بلاشک باید همدست و عامل روزیونیست های خائن پکن باشند. اما خیر، آقایان، اینطور نیست. ما اگر روزیونیست های مسکو و عاملین آنها را افشا میکنیم ماهیت روزیونیستهای پکن را نیز برمدم مینمایانیم. مسلمانان همانطور که رهبران خائن چین را بخاطر همپائی و همآوازی شان بسا رژیم شاه خائن محکوم میکنیم و در همین راستا سفر هواکونگ خائن را بایران توطئه ای علیه خلقهای ایران مینمایم همانطور هم رهبران خائن شوروی را بخاطر روابط بسیار دوستانه شان با رژیم شاه جلاطلب و بدیرانییشان را از

# گرامی باد خاطر رفقای شهید



فاطمه (طاهره) میرزا جعفر خلاف

جمال شریف زاده شیرازی

سید مهدی موسوی قمی

سه سال پیش، در اردیبهشتماه دهه تن دیگر از رفقای انقلابی ما مهدی موسوی قمی، جمال شریفزاده شیرازی، طاهره میرزا جعفر خلاف

عقیقه دربار اشرف پهلوی، (همزمان با سفر هواکونگ به ایران) خیانتی علیه منافع خلقهای ایران محسوبیدارم ما (همچنانکه تمام نیروهای راستین و مردمی) همانگونه که سیاست چین را در تیلی، آنکولا، زئیر و... سیاست ضد خلقی و خائنانه میدانیم، سیاست های تجارزکرانه سوسیال امپریالیسم شوروی را نیز در آنکولا، اوکادان، ارشو یمن جنوبی و... بشابه نمود هائی از سیاست های ضد خلقی و سوسیال امپریالیستی مسکو، محکوم مینمایم. اما علت تهمت ردیبلانه دارودسته خائن کمیته مرکزی حزب توده به سازمان ما چیست؟ چرا اینان پس از سالها در مورد آنچه درون سازمان مجاهدین خلق ایران واقع شده بدینسان اظهار نظر میکنند و بظاهر برای سازمان مجاهدین خلق و نیروهای مذهبی سالوسانه سینه چاک میدهند و اشک تمساح از دیده فرو میزنند؟ چرا ایشان بر شدت تهاجمات و تبلیغات زهرآگین خود بر علیه نیروهای راستین کمونیستی افزوده اند؟ و در عوض چرا روز بروز بیشتر میکوشند خود را همصدا و هماهنگ با برخی نیروهای مذهبی قلمداد کنند؟ به این سوالات ما بعداً خواهیم پرداخت.

بارگبار مسلسل های مزدوران ساواک در خیابان مستبیر... بخون در غلطیدند. در سالهای سیاهی که دیکتاتوری خون آشام بورژوازی کپور... ادور بنمایندگی شاه سابق خائن، با دستگاه های عریض و طویل ساواک و شهرتانی و کیتسه و... یک تازه میدان بود و به شکار انقلابیون در هر گوشه و کنار میپرداخت، در اواسط سالهای دهه رژیم خائن شاه آخرین حد از وحشگری را در قلع و قمع مبارزات خلق ما بکار میبرد، در آنزمان که سرازیر شدن پولهای هنگفت نفت توانسته بود برای مدتی کوتاه بحران اقتصادی و سیاسی رژیم را تخفیف دهد و بورژوازی وابسته بهار خود را میکشاند، امثال این...

# گرامی باد خاطر دود...

بقیه از صفحه ۷

زحمت يك موضعگیری شفافى را هم در دفاع از مبارزان خلق بندرت بخود میدادند. آنها با سردر لاک خود فرو برده، فرج را انتظار می کشیدند و با در ادامه سیاست زبوانه صبر و انتظار سر بزیر و پا براه بتائید مستقیم و غیر مستقیم رژیم خونخوار شاه مشغول بودند.

در آن سالها، آتش فشان خشم خلقهای ما بطرق مختلف از جمله در فعالیت های سازمانهای انقلابی مخفی تجسم می یافت که با عزم آهنین و علیرغم دشواریهای عظیم همچنان به مبارزات خود ادامه میدادند.

خلق ما بدرستی آگاه است که هرگز نمیتوان انقلابیون صدیقی را که در آن سالها در برابر کوه مصائب سر تسلیم فرود نیامدند و جان بر کف به مبارزه بی امان خود برای واژگون کردن رژیم وابسته بامپریالیسم شاه، برای نیایدی کامل تسلط و نفوذ امپریالیسم در ایران، برای آزادی کارگران و دهقانان و دیگر زحمتکشان از بند مبارزه کردند و فرصت طلبانی که امروزه سوار بر موج شده مزبورانسه

مکشند خود را انقلابی جا زنند تا ثمرات انقلاب خلق را بدزدند و انقلاب را سقذ کنند مقاسه نمود. انقلابیون را که تا آخرین نفس در راه تحقق آرمان ولای خویش معنی در راه واژگون رژیم شاه و ایجاد جامعه ای دموکراتیک در راه رهائی زحمتکشان مبارزه کردند و تا قبول محرومیت ها و زندگی مخفی، زندان و شکنجه و مرگ را با آغوش باز پذیرا شدند، هرگز با کسانی که تا دیروز سکوت و اودادگی خود را با صدور سهانه توجیه میکردند و امروز برای دست یافتن به سبزه های انقلاب نریکد نکر سفت میکردند قابل مقایسه نیستند.

سرفیق شهیدی که در این سطور کوتاه یاد آنها را تکرار می میدارم

# پیکار

از جمله انقلابیونی بودند که طی یروید مبارزات پیکرو آشتی ناپذیر خود از آنجا که هدفشان رهائی میهن از قید سلطه امپریالیسم و از آن سر رهائی از یوغ استعمار بود، مارکسیسم لنینسم این تنها ایدئولوژی رهائی بخش طبقه کارگر را پذیرفتند، زیرا تنها این مکتب فکری است که استمار را بطور علمی تحلیل کرده، راه الغاء آنرا نشان میدهد و طبقه کارگر میآموزد که چگونه در مبارزه سخت و طولانی خویش با دیگر زحمتکشان همبیمان شده، آنها را رهبری نموده و از قید هرگونه ستم طبقاتی، ملی و اجتماعی رها سازد.

این رفقای شهید در بخش منشعب از سازمان مجاهدین خلق ایران فعالیت میکردند، بخشی که در تداوم مبارزات انقلابی خود بعلیه رژیم شاهخان در طی چند سال گذشته بیش از ۴۰ شهید داد.

زندگی مبارزاتی سه رفیق شهید نامیده بشرح زیر بود:  
۱- رفیق مهدی موسوی قمی (مجتبی) از اعضای بسیار فعال و صدیق بخش منشعب از سازمان مجاهدین خلق ایران بود. او اهل زنجان و از عناصر برجسته و انقلابی جنبش دانشجویی در دانشگاه صنعتی بود. مبارزات او در بخش منشعب سرشار از خلوص و تحریک و انصاف انقلابی بسود. در اردیبهشت ۵۵ طی یک درگیری با مأموران ساواک همراه با دو رفیق دیگر در خانان منیریه بشهادت رسید.

۲- رفیق جمال شیرینزاده شرازی (جمال) عضو فعال بخش منشعب و از لحاظ ثوریک، رفیق بسیار با استعدادی بود. او قتلا دانشجو دانشگاه صنعتی بود و در سال ۵۳ بزندگی مخفی پیوست.

رفیق جمال، ضمن سفری در خارج ده قم (در سال ۵۴) مورد شناسایی فردی ساواکی (که از بستگانش بود) قرار گرفت. این فرد قصد داشت او را تحویل دو خیمان ساواک بدهد. بهین جهت، رفیق با استفاده از یک فرصت مناسب، وی را به سزای اعمالش رسانید. رفیق در کار آموزش کادرها، برخوردی دقیق و خلاق داشت و در باره مسائل سیاسی مطروحه در آنزمان، بخصوص در زمینه کار درمان طبقه، نظراتی درست داشت که اگر مورد توجه رهبری آنزمان سازمان قرار میگرفت، تأثیرات مثبتی بسر جای مگذاشت.

۳- رفیق طاهره میرزا جعفری عراف رفیق، عضو فعال و بسیار شوروی بود. او واقعا به خلق خویش عشق می ورزید. او خود، طی زندگی روزمره اش، با درد و رنج فراوانی که بر توده های خلقی روا داشته میشد، آشنا بود و سعی را که از سوی بوروکراسی رژیم در حق مردم روا داشته میشد، چشیده بود و بهین خاطر، نسبت به دردهای مردم، عینی بود. رفیق بخاطر آنکه بتواند به خلق خدمت بیشتری کند، مبارزه انقلابی مخفورا پذیرا شد و در طی فعالیت تشکیلاتی خویش، نهایت فداکاری را معمول میداشت. او نسبت به رژیم سرسپرد امپریالیستها کینه می ورزید و راه رهائی را با فعالیت انقلابی و سازش ناپذیر خود، با عزم استوار تا آخرین نفس ادامه داد.

کشته جنایتکاران ساواک و شهروانی نیست به این انقلابیون صدیق خلق، نسبت به این نمونه های مقاومت و سازش ناپذیری راه خلق، شکوه های فراوانی را اعمال کردند. خونخواران ساواک، عکس از این شهدا را در حالی که آنها را غرقه در خون خود نشان میدهد، برای ارباب مبارزین اسیر، بر دیوار شکنجه گاه کبته شهربانی نصب کرده بودند. این عکس، پس از پیروزی انقلاب بدست خلق افتاد و در کیهان ۲۰ فروردین ۵۸ بجای برنده استخا

# در باره...

شماره از صفحه ۶

سجدهای کارنجات خود در مبارزاتی خانی از رقابت سیردازد. از اینرو ایرانی با حکومت مرکزی قوی برای اسرائیلیستها تنها در اطاعت احصاری و بزور تفنگ و سر نیزه، خلق ها از "حکومت مرکزی" دست نشانده او سستی و مفهوم دارد. رصا خان این نوکر حلقه بگوش، عامل و سرسرده تمام عبار امپریالیسم انگلیس، این خواست اربابان خود را تمام و کمال به انجام رسانید. او از ابتدای حکومت ننگین خود به انکار محص موجودیت ملیتها پرداخت و جنبش های ملی را تحت پوششهای عوام فریب و بظاهریزی تائین استقلال و یکپارچگی کشور و ایجاد امنیت در راهها و جلو گیری از تجزیه آن و یا بد بهانه سرکشی خانها - در حالیکه خود بزرگترین خان ایران بود - به شدید ترین نحوی سرکوب نمود. قتل عام های که رصا خان و تئیسارهای - جلاد او در لرستان و خوزستان و ... کرده اند هنوز از خاطره ها نرفته است. پس از رصا خان پسرش یا در راهی گذاشت که توسط پدرش کینده شده بود و بر زمینه اقدامات انجام یافته قتل، زورگویی و ستمگری نسبت به خلفهها را بشمارا ندرت و برود در دیده تراز قیل ادا داد. کلا باید بگوئیم که در طول

۳۰ سال حکومت رژیم پهلوی شو - بنیم فارس به ارتحای ترین شکلی و بدیهای قتل و کشتارهای سیرحما نه خلقها از کسو و اشاعه آموزشهای ارتحای - فاندستی حس تحقیر نسبت به ملیتها و فارس کردن احصاری آنها و - از سوی دیگر

سجده از صفحه ۲

سجده این عزیزان، جاویدان ماند! مبارزه انقلابی این فرزندان خلق که یکدم از مبارزه علیه امپریالیسم و بورژوازی وابسته و رژیم دیکتاتوری فاشیستی نمائنده آنان غافل نمادند و در راه رهائی طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان، خون خویش را تثار کردند، تا خلق پیروزی آنها و اهدای فروردین ۵۸ بجای برنده استخا

سجده از صفحه ۲

# نابود باد بقایای ارتجاع و امپریالیسم